

حضرت بهاءالله در کتاب ایقان می فرمایند:

"... و اگر بنظر لطیف ملاحظه فرمائی همه را در یک رضوان ساکن بینی و در یک هوا طائر و بر یک بساط جالس و بر یک کلام ناطق و بر یک امر، آمر ..."

عنوان: مقصود حضرت بهاء الله اتساع اساس جمیع ادیان مُنزله الهیه است

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- ذکر دسته جمعی "تعالی الکریم ذو الفضل العظیم)

۳- مجموعه نصوص حضرت بهاءالله

۴- مجموعه نصوص حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۵- لزوم ترک تعصبات

۶- قسمتی از توقیع حضرت ولی محبوب امرالله

۷- بخشی از پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ ۱۰ آبان ماه سال ۱۳۷۸

۸- انبیاء هر یک جزئی از طرح بزرگی برای تربیت و وحدت عالم انسانی است

۹- شور و مشورت (مطلب مورد شور ضمیمه می باشد)

۱۰-گزیده ای از بیانات شهید مجید دکتر علی مراد داوودی

۱۱- بخشی از نوشته مارکوس باخ در ملاقاتش با حضرت ولی امرالله

۱۲-برنامه کودکان و نوجوانان

قسمت اجتماعی

۱۳-الف و پذیرائی

۱۴-مناجات خاتمه

۱- مناجات شروع

هوالابهی

ای پاک یزدان قوت و قدرتی عنایت فرما و عون و عنایتی مبذول کن تا به وصایا و نصائحت قیام نمائیم و به نفعات خُلق و خویت به احیای عالم و امم پردازیم به موجی از امواج بحر اعظمت جهان ایجاد پر از لئالی حکمت گردد و به فیضی از بحر رحمت فضای امکان رشک روضه جنان گردد پای استقامتی عنایت فرما و قوه ثبوت و رسوخی ببخش تا بر آنچه سبب اعلاء کلمه امر تو است قیام نمائیم و بر هدایت من علی الارض بایستیم . ع ع

مناجاتهای حضرت عبدالبهاء ص ۷۱

هُوَ اللَّهُ

رَبِّ رَبِّ إِيْدِ عِبَادِكَ الْأَصْفِيَاءِ عَلَى الْحُبِّ وَالْوَلَاءِ بَيْنَ الْوَرَى وَوَفِّقَهُمْ عَلَى نَشْرِ الْهُدَى مِنَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى بَيْنَ
اهل الأرض كلّها أنّك انت المقتدر العزيز القوىّ القدير الوهاب و أنّك انت الكريم اللطيف الرؤف المنان. ع ع

مناجاتهای حضرت عبدالبهاء ص ۸۱

۳-مجموعه نصوص حضرت بهاء الله

حضرت بهاء الله می فرمایند:

" یا اهل بهاء شما مشارق محبت و مطالع عنایت الهی بوده و هستید . لسان را به سبّ و لعن احدی میلانید
و چشم را از آنچه لایق نیست حفظ نمائید. آنچه را دارائید بنمائید ،اگر مقبول افتاد مقصود حاصل و آلا
تعرض باطل .ذروه بنفسه مقبلین الی الله المهیمن القیوم .سبب حزن مشوید تا چه رسد بفساد و نزاع .امید
هست در ظلّ سدره عنایت الهی تربیت شوید و بما اراده الله عامل گردید . همه اوراق یک شجرید و
قطره‌های یک بحر ."

آیات الهی ج ۱ ص ۴

و در بیانی دیگر چنین می فرمایند:

" بگو ای عباد. از برای عمار عالم از عدم به عرصه وجود آمده‌اید، فساد و جدال شأن انسان نبوده و نیست.
الیوم اگر نفسی سبب حزن نفسی شود ، مِنْ آيِّ مَلَّةٍ كَانَ ، لَدَى الْمَظْلُومِ مَحْبُوبٌ نَبُودَہ اصل مذهب که از

سماء امر الهی نازل شده مقصود اتحاد و اتفاق خلق بوده . یا طیب ، حال ملاحظه کن که این گوهر پاک چگونه به غبار اوهام آلوده گشته و از ظلم نادانان به مقامی رسیده که سبب و علت بغضا ما بین عباد الله شده . این است زلال کوثر بیان که از ملکوت علم الهی جاری گشته . طوبی از برای نفسی که تقرّب جست و به اسم حقّ از او نوشید . امید چنان است که اهل بها بما آراد الله فائز شوند و مطالع الفت و اتحاد گردند که شاید به عنایت الهی و فیوضات رحمانی سبب اصلاح عالم و تعمیر آن گردند .

آیات الهی ج ۲ ص ۹۱

۴- مجموعه نصوص حضرت عبدالبهاء
حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"تا بحال در این دیار نفسی نتوانست ذکر از حضرت رسول علیه السلام کند علی الخصوص در کنائس بلکه حکایات و روایات عجیبه مفتریه در السن خلق منتشر بود که جمیع مستهزانه ذکر میکردند. یک فقره را ذکر نمایم تا سبب تبسم شود و آن اینست که متصل شنیده میشود که فلان قضیه مثل قضیه محمد است بعد از فحص معلوم شد که از جمله مفتریاتی که در حق حضرت رسول علیه السلام در این بلاد منتشر است این است که چون حضرت ادّعی نبوت فرمودند قوم معجزه ای خواستند فرمودند چه میخواهید؟ گفتند: این کوه را بگو حرکت کند و نزدیک آید فرمودند: پیغمبران متکبر نیستند اگر کوه نزدیک نیاید من نزدیک میروم. از این قبیل روایات بسیار است ولی حال الحمدلله در صدرکنائس اثبات نبوت حضرت میشود و ابداً نفسی اعتراض ننماید و جمیع گوش میدهند و ساکت و صامت هستند ."

مکاتیب ج ۴ ص ۹۰

و در بیانی دیگر می فرمایند:

"باری ای دوستان الهی در دین الله تکفیر و تفسیق نبوده و نیست و تزییف و تحقیر جایز نه ، با کسی مجادله ننمائید و منازعه نکنید و ذلت از برای احدی مطلبید و نام نفسی را به وهن مبرید و ضرر نفسی را نخواهید و لسان را به طعن کسی نیلائید."

منتخبات مکاتیب ج ۴ ص ۲۵۸

و نیز می فرمایند:

"آنچه گفته می شود ما را مقصد بیان حقیقت است . توهین عقاید ملل دیگر نیست. مجرد بیان واقع است و بس والا به وجدان نفسی تعرض ننمائیم و اعتراض روا نداریم."

امر و خلق ج ۲ ص ۱۴۰

۵- لزوم ترک تعصبات

"حضرت عبدالبهاء) احباء را به وحدت اساس ادیان الهی دعوت می فرمودند و تحذیر از اختلافات و تعصبات می کردند که: "باید اهل ادیان و اوطان و اجناس جمیع ملل عالم ترک تعصبات باطله و امتیازات وهمیه نمایند حتی در معبدها و کنیسه های هر امت و ملتی بروند زیرا در جمیع کنائس و مساجد ذکر الهی است... جمیع امم یک خدا را پرستش می نمایند. هیچیک عبادت شیطان نمی نمایند... من در معابد نصاری و یهود و مسلمان همه جا می بینم یک خدا را ستایش می کنند هر یک نبی و پیغمبر خود را واسطه فیض الهی می داند و دین الله را سبب ترقی و سعادت و محبت عالم انسانی می خواند. در این صورت جمیع در اصول متحدند چه ضرر دارد که براین اساس که سبب یگانگی و اتحاد است مجتمع شوند و از ما به اختلاف که

مورث بیگانگی و جدال است صرف نظر نمایند تا به مقصد اصلی مظاهر مقدسه الهی پی برند... این است که حضرت موسی امم اسرائیلیان را به خدای قدیم، اله آباء و اله ابراهیم دعوت نمود و حضرت مسیح فرمود: من برای تخریب نیامده ام بلکه به جهت ترویج آمده ام در قرآن نیز به کمال صراحت نازل شده که "إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ."

بدایع الآثار ج ۲ ص ۲۰۴

۶- قسمتی از توقیع حضرت ولی محبوب امرالله

باید دانست که دین بهائی که حضرت بهاءالله موجد و مصدر آنست هرگز ادیان سابقه را انکار نمی نماید و هرگز حتی بقدر ذره‌ای از قدر و منزلتشان نمی‌کاهد و یا حقیقتشان را دگرگون نمی‌سازد، بلکه تخفیف مقام انبیاء گذشته و تحقیر حقایق جاودانی تعالیمشان را بهر نوع که باشد تقبیح می‌کند. دین بهائی هرگز با جوهر دعوت پیغمبران پیشین مخالفتی ندارد و هرگز نمی‌خواهد اساس ایمان پیروانشان را متزلزل سازد، بلکه مقصد اصلیش آنست که پیروان هر یک از ادیان پیشین از حقایق دین خویش خبری بیشتر گیرند و معرفتی روشنتر یابند. دین بهائی حقائق مکنونه‌اش را به عنوان مجموعه‌ای که در آن تصنعاً بهترین تعالیم عالم را در یکجا جمع کرده باشد عرضه نمی‌کند و نیز ندایش را بانخوت و غرور به جهان اعلان و ابرام نمی‌نماید بلکه تعالیمش بر این محور دور می‌زند که حقایق دینی امری نسبی است نه مطلق و آئین یزدانی تجدید پذیر است نه جامد و نهائی، و بیدرنگ اعلان می‌نماید که تمام ادیان اساسشان الهی است، هدفشان

واحد است ، هر یک مکمل دیگری است ، منظور و مقصدشان استمرار دارد و نوع بشر سخت بدان نیازمند است.

توقیع نظم جهانی بهائی ص ۷۷

۹- شور و مشورت:

"جناب فیضی توصیه جناب ابوالفضائل را نقل فرمود مبنی بر اینکه هرگز در مقابله با هیچیک از ادیان و مذاهب سخن نرانید فارغ از اینکه آن دین یا مذهب در دنیای کنونی چه وضعیتی دارد. مذاهب امروز باقی مانده روزهای باشکوه و بی همتای آن مذاهب هستند."

ایادیان فراموش ناشدنی امر ص ۱۳۳

با عنایت به این مطلب و مطالب خوانده شده،

به نظر شما چگونه می توانیم این حقیقت مهم را در تعاملات و ارتباطات خود با دیگران مورد توجه قرار دهیم؟

توجه به چه نکاتی را در این خصوص ضروری می دانید؟

۷- بخشی از پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ ۱۰ آبان ماه سال ۱۳۷۸

"جای تأسف است که اهل افترا بهائیان را مخالف و حتی دشمن اسلام می‌شمردند. بدون شک شما آماده‌اید که آثار بهائی را با این قبیل افراد در میان گذارید که در آن از اسلام به عنوان «شریعت مبارکه غرّاً» یاد می‌شود، حضرت محمد (ص) را «سراج وهاج نبوت کبری»، «سرور کائنات» و «نیر آفاق» که «به اراده الهی از افق حجاز اشراق نمود» وصف می‌نماید و از حضرت امیرالمؤمنین (ع) به "بدر منیر افلاک علم و معرفت" و «سلطان عرصه علم و حکمت» یاد می‌کند. زیارت‌نامه مخصوص حضرت سیدالشهداء را که از قلم نفس شارع امر ابهی نازل شده با آنها زیارت کنید که در آن حضرت بهاءالله مقام آن حضرت را با القاب "فخر الشهداء" و «نیر الانقطاع من افق سماء الابداع» می‌ستایند. خطابات حضرت عبدالبهاء را که حدود صد سال پیش در اروپا و امریکا در کلیساها، کنیسه‌ها و در جمع دانشمندان راجع به مقام و اهمیّت اسلام ایراد فرمودند برایشان بخوانید. شرح مراسم تشییع و تدفین حضرت عبدالبهاء را که در آن عده کثیری از اهالی منطقه شام، از جمله هزاران نفر مسلمان، برای ادای احترام به مقام ایشان حضور داشتند و سخنان مفتی شهر حيفا و دیگر رهبران مسلمانان در بزرگداشت آن حضرت را با آنان در میان گذارید."

۸- انبیاء هر یک جزئی از طرح بزرگی برای تربیت و وحدت عالم انسانی است.

دیگر حضرت بهاءالله تعلیم می‌فرمایند که همه انبیاء حاملین رسالت حقیقی از طرف خدا بودند و هر کدام از آنها در دوره خود عالیترین تعلیمی را بحسب استعداد نفوس بآنها دادند و مردم را طوری تربیت کردند که مستعد اخذ تعلیم دیگر از طرف پیغمبران بعدی باشند و از پیروان هر یک از ادیان دعوت می‌فرمایند نه تنها الهام الهی را نسبت به پیغمبر خود انکار نکنند بلکه آنرا در مورد همه پیغمبران تصدیق نمایند و اذعان کنند که تعلیم همه آنها از جهت اصول با هم موافق بوده و هر یک جزئی از طرح بزرگی برای تربیت و وحدت عالم انسانی است. این است که از پیروان جمیع فرق مختلفه مذهبی دعوت می‌فرمایند که ایمان و

احترام خود را نسبت به پیغمبران خود از این راه باثبات رسانند که حیات خود را وقف تحقق آن وحدتی نمایند که جمیع انبیا برای حصول آن تحمل مصائب و بلایا کردند.

بهاء الله و عصر جدید ص ۱۴۰-۱۳۹

۱۰- گزیده ای از بیانات شهید مجید دکتر علی مراد داوودی

"مخالفتان ما حمله می کنند، ایراد می گیرند و چون ما را تصدیق ندارند، چون ما را قبول ندارند، چون ما را بر حق نمی دانند از هرگونه اهانت... صرف نظر نمی کنند. در مورد ما بد می گویند مقدساتمان را تحقیر می کنند طلعات قدسیه ای را که مورد احترام ماست بر خلاف احترام نام می برند... اما ما چه حق داریم که به جوابگوئی آنها مطابق روش خودشان پردازیم ما نمی توانیم این کار را بکنیم ما که آنها را قبول داریم چطور می توانیم به ایشان بد بگوئیم؟ خیلی صریح است ما دیانت اسلام را قبول داریم، پیغمبر اکرم را تکریم می کنیم، ائمه اطهار را تجلیل می کنیم، قرآن را تقدیس می کنیم همه کتب و آثار اسلامی را به دیده احترام نگاه می کنیم... سعی می کنیم به کسانی که مسلمان نیستند و می خواهیم تعالیم بهائی را القاء بکنیم، حقانیت اسلام را هم ضمناً اثبات بکنیم. عقایدمان را بلافاصله بعد از حلقه اسلام می دانیم پس چطور می توانیم وقتی کسی از حضرت بهاء الله بد می گوید، ما هم در قبال او خدای نکرده زبانم لال و خاکم بر دهن از حضرت محمد رسول الله بد بگوئیم؟ میشود همچو کاری کرد؟... کار ما با کار او هیچ تفاوتی ندارد چون او هم کاری کرده که مخالف معتقدات ماست ما هم در این مقام کاری کردیم که مخالف معتقدات ماست. او به ما تاخته ما هم به نوبت خودمان به خودمان تاخته ایم... پس پیداست که ما در این مقام نمی توانیم خودمان را قرار دهیم... برای ما بودا، برهما، موسی، عیسی، محمد، باب و بهاء الله حقیقت واحده است و چون اینطور است بنا بر این حرمت یکی از اینها حرمت همه اینهاست. و ما نمی توانیم هتک این حرمت را بکنیم و خودمان را بهائی بنامیم.

مقالات و رسائل در مباحث متنوعه ص ۱۶۲

۱۱- بخشی از نوشته مارکوس باخ در ملاقاتش با حضرت ولی امرالله

"... در صداقت و اشتیاق وی تردیدی نمی شد روا داشت. با نگاهی کوتاه، گرم و دوستانه به نظر می رسید به لسان حال می گوید: "زمانی بود که من هم مانند تو به طلب و جستجو مشغول بودم. من نیز در پی یافتن چیزی بودم. چیزی که بتوانم واقعا زندگی خود را وقف آن سازم."

...اولین سؤال من یعنی "علاقه به دیانت که در جستجوی عمق و وسعت یافته است، باعث شد سری به نشانه درک مقصود تکان دهد... او ناگهان به آرامی مرا به قلب امر بهائی برد و اگر چه بسیار از آنچه را که بیان می داشت قبلا از بهائیان دیگر شنیده بودم، ملاقات یک رهبر مذهبی که نه از یک کتاب آسمانی بلکه از جمیع کتب آسمانی دفاع می کرد، نه برای یک موعود منتظر، بلکه برای جمیع موعودهای منتظر بحث و استدلال می کرد، نه به یک طریق بلکه به طرق مختلف برای وصول به خداوند اشاره می کرد، تجربه ای جدید برای من محسوب می شد.

"دیانتی که به حضرت بهاء الله منسوب است هر گونه قصد و نیتی برای بی اهمیت جلوه دادن انبیاء سلف، برای تقلیل و تحلیل هر یک از تعالیم آنها، تیره و تار ساختن هر چند اندک تشعشع ظهور آنها، یا ازاله محبت آنها در قلوب پیروانشان، نسخ و ابطال اساس و بنیاد نظریه های آنها، کنار گذاشتن کتب منزه سماوی آنها، یا سرکوب کردن آمال و آرمانهای مشروع متمسکین به عروه و نقای آنها را از خود سلب می نماید.

حضرت بهاء الله با رد ادعای هر دیانتی که مدعی خاتمیت ظهورات الهیه برای انسان باشد، و به این ترتیب با سلب خاتمیت از ظهور خود ایشان، اصل اساسی نسبت حقیقت دینی، وحدانیت ظهورات الهیه، و تجربه مذهبی را القاء می فرماید. مقصود حضرت بهاء الله اتساع اساس جمیع ادیان منزه الهیه و مکتشف ساختن اسرار و رموز کتب و صحف آنهاست..."

ایشان به این ترتیب امر بهائی را توصیف فرمود و به من عرضه داشت. آن را تسلسل ظهور ادیان نامید و خود را وسیله ای برای تحقق این جریان خواند.